



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2024.19633.2330

The Principles and Basics of the Evaluation of Document, Text, and the Origin of Hadith from the Perspective of Urmawi Muhaddith

Nosrat Nilsaz¹
Maryam Nekoonam²
Elham Zarinkoah^{3*}

Abstract

Muhaddith Urmawi, one of the contemporary researchers and scientists, corrects many Shia written heritages in various fields such as interpretation, hadith, theology, history, rijal, mysticism, etc., and is also the author of a detailed commentary on Du'a Nudba. His hadith research efforts, apart from the description of Du'a Nudba, are reflected in the numerous introductions, footnotes, and appendices that he has written on his research works, which are sometimes considered independent authors due to their detail. In this research, by using the descriptive-analytical method while analyzing and reflecting on Urmawi's efforts in hadith works, the basics of his attention in examining the document, text, and origin of hadiths have been extracted. The results of the research show that the opinion on the necessity of verifying the authenticity of the hadith in terms of its transmission from Ma'sūm (A.S.) or otherwise, and the evaluation of the document rijal on its basics in documental investigations, and the opinion on the necessity of the investigation of the text of the hadith in order not to contradict the Qur'an, sunnah, hadith, definite history, the essentials of ritual and religion, as well as the necessity of elevating content and eloquence in the text issued by Ma'sūm (A.S.) are the basics of the study of the text of Urmawi Muhaddith. Also, in examining the origin of hadiths, he emphasizes the necessity of obtaining hadiths from reliable sources.

Keywords

Urmawi Muhaddith, Hadith Research Basics, Document Review, Text Review, Origin of Hadith.

Article Type: Research

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: n.nilsaz@modares.ac.ir

2. Master's degree in Qur'anic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: mnkoonam@yahoo.com

3. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Euclid Higher Education Center, Iran. Email: ezarinkolah@yahoo.com

Received on: 10/12/2023 Accepted on: 02/03/2024

Copyright © 2024, Nilsaz, Nekoonam & Zarinkoah



Publisher: Imam Khomeini International University.



شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2024.19633.2330

اصول و مبانی ارزیابی سند، متن و خاستگاه حدیث از دیدگاه محدث ارموی

نصرت نیل ساز^۱

مریم نکونام^۲

الهام زرین کلاه^۳

چکیده

محدث ارموی، از محققان و دانشمندان معاصر، مصحح بسیاری از میراث مکتوب شیعی در حوزه‌های مختلف مانند تفسیر، حدیث، کلام، تاریخ، رجال، عرفان و غیره، همچنین مؤلف شرحی مفصل بر دعای ندبه است. تلاش‌های حدیث‌پژوهی وی غیر از شرح دعای ندبه در مقدمه‌ها، پانوش‌ها و تعلیقات متعددی که بر آثار تحقیقی خود نوشته است و گاه به سبب تفصیل به مثابه تألیف مستقلاً محسوب می‌شود، بازتاب یافته است. در این پژوهش با بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی ضمن واکاوی و تأمل در تلاش‌های ارموی در آثار حدیثی، مبانی مورد توجه وی در بررسی سند، متن و خاستگاه احادیث استخراج شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عقیده به لزوم احراز صحت حدیث از جهت صدور از معصوم یا غیر آن و ارزیابی رجال سند از مبانی وی در بررسی‌های سندی و عقیده به لزوم بررسی‌های متن حدیث از جهت عدم مخالفت با قرآن، سنت، حدیث، تاریخ قطعی، ضروریات دین و مذهب، همچنین لزوم علو مضامین و فصاحت و بلاغت در متن صادره از معصوم (ع) از مبانی متن‌پژوهی محدث ارموی است. همچنین وی در بررسی خاستگاه احادیث بر ضرورت اخذ حدیث از منابع معتبر تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها

محدث ارموی، مبانی حدیث‌پژوهی، بررسی سند، بررسی متن، خاستگاه حدیث.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. n.nilsaz@modares.ac.ir
 ۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. mnekoonam@yahoo.com
 ۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید، ایران (نویسنده مسئول). ezarinkolah@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

پس از قرآن کریم، اصلی‌ترین منبع برای استنباط و تبیین معارف الهی دین اسلام، روایات است. روایات هم در ایجاد علوم اسلامی و هم بسترسازی جهت گسترش این علوم، نقش آشکارا و محسوس داشته است. اما از آن‌جا که حدیث در گذر زمان به دلایل گوناگون از تصحیف و تحریف برکنار نمانده، بهره‌برداری از آن در تبیین احکام دین، نیازمند پیراستن، تحلیل، تشریح و نقد عالمانه آن است.

بنابراین، حدیث‌پژوهی شیوه و سیره مستمر دانشمندان اسلامی به خصوص عالمان شیعی بوده است. عالمان در آثار و پژوهش‌های حدیثی خود روش‌ها و قواعدی را به کار برده‌اند که استخراج آن‌ها می‌تواند ما را با مبانی و روش فهم و نقد حدیث آشنا سازد. در این میان، برخی از محدثان در مقدمه‌هایی که بر آثارشان نگاشته‌اند، از مبانی حدیثی خود سخن گفته‌اند، اما برخی دیگر به این مهم تصریح نکرده‌اند. از این‌رو، لازم است با تحقیق و تدبر در روش‌ها، اندیشه‌ها و آرای آن‌ها، این مبانی و اصول را استخراج کرد. یکی از حدیث‌پژوهان معاصر که خدمات ارزنده‌ای در خصوص نسخه‌پژوهی و تصحیح متون انجام داده، میرجلال‌الدین محدث ارموی است. تصحیح و تحقیق متون حدیثی، امری دشوار است زیرا غیر از دانش و تخصص و مهارت در نسخه‌شناسی، مستلزم شناخت و آگاهی از تاریخ فرهنگ و میراث مسلمانان، عقاید، انگیزه‌ها و جریان‌های دینی، اجتماعی، سیاسی مؤثر در شکل‌گیری تاریخ فرهنگی جهان اسلام و همچنین تبصر در زبان عربی است (نک. صدرایی خویی، ۱۳۸۳ش، ۴۳).

محدث ارموی از معدود افرادی بود که از همه این امتیازات برخوردار بود و بسیاری از میراث مکتوب شیعی در حوزه‌های مختلف مانند تفسیر، حدیث، کلام، تاریخ، رجال، عرفان و غیره را تصحیح کرده است. همه این امتیازهای علمی در کنار عقیده استوار به ولایت وی را در دفاع از کیان مذهب اهل‌بیت به چهره‌ای برجسته در زمانه خویش تبدیل کرده بود. برای نمونه درباره وی گفته شده است: «كَانَ شَدِيدَ الْوَلَاءِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع)، يَزِي أَنْ الْحَقَّ لَا يُوجَدُ إِلَّا فِي الْأَحَادِيثِ الْمَأْتُورَةِ عَنْهُمْ وَلَا يُمَكِّنُ تَطْيِيقَ الْإِسْلَامِ الصَّحِيحِ، إِلَّا بِاتِّبَاعِهِمْ وَالْأَخْذِ مِنْهُمْ، وَلِذَا كَانَ شَدِيدَ الذَّبِّ عَنْ مَذْهَبِهِمْ»؛ «در ولایت اهل‌بیت بسیار استوار و ثابت‌قدم بود و عقیده داشت که حق جز در احادیث مأثوره آن‌ها یافت نمی‌شود و پیروی از اسلام صحیح جز با تبعیت از اهل‌بیت و دریافت آموزه‌های ایشان ممکن نیست. از این‌رو به شدت از مذهب اهل‌بیت دفاع می‌کرد» (حسینی اشکوری، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۲۹).

در مقام مقایسه رویکرد و نگرش محدث ارموی و جلال‌الدین همایی گفته شده که ویژگی برجسته محدث، تعلق خاطر به حدیث، تاریخ و رجال بود و برخوردش با عرفان و تصوف، برخوردی محدثانه، به معنای کلاسیک شبه‌صفوی آن، بود. اهتمام وی به شرح و تصحیح زادالسالك فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) و تصحیح شرح مصباح الشریعه عبدالرزاق گیلانی به این دلیل بود که معارف اهل بیت (ع) را از این متون استشمام می‌کرد. ردپای گرایش‌های حدیثی محدث را باید در تصحیح و چاپ دو کتاب «الأصول الأصبلة» و «الحق المبین فی تحقیق کیفیت التفقه فی الدین» فیض کاشانی جستجو کرد. این دو کتاب در دفاع از مسلک اخباری اعتدالی و مخالفت با اجتهاد به معنای اخص آن نوشته شده است (نک. جهانبخش، ۱۳۷۸ش، ۷۴).

درباره فضای علمی و فرهنگی دوره محدث گفتنی است که گفتارها و نوشتارهای افرادی که پرورش یافته حوزه علمیه بودند و اظهار تعلق به سنت و تمدن اسلامی و حتی خود اسلام می‌کردند، مسائل دینی محض و به تعبیری روشن‌تر شرعی صرف و مصطلح نبود. حتی قلم‌هایی که درباره ادبیات و عرفان اسلامی و تاریخ مسلمانان زده می‌شد، رنگ و بوی دل‌بستگی عقیدتی نداشت و هدف آن تحکیم پایه‌های دینی و باورهای دینی نبود. در چنین فضایی پژوهش‌ها و نگارش‌های دینی و باورمندانه محدث آشکارا بر تحکیم مبانی عقیدتی شیعه و دفاع از اندیشه‌های امامیه و ترویج مذهب اهل بیت (ع) تأکید داشت و از این جهت متمایز به نظر می‌رسد (نک. جهانبخش، ۱۳۷۸ش، ۱۴، ۷۵).

با توجه به آنچه گفته شد شناخت مبانی حدیث پژوهی محدث ارموی، در تبیین روش ایشان در ارزیابی و فهم احادیث و تصحیح متون حدیثی اهمیت بسزایی دارد. اما از آن جا که وی در تصحیح متون، از روش نقل اقوال و آراء بزرگان بهره جسته و خود کمتر اظهار نظر نموده، شناخت مبانی وی دشوار است. شایان ذکر است در خصوص محدث ارموی و آثار وی، تألیفات بسیاری نگاشته شده است. یادنامه محدث ارموی از جمله کتاب‌هایی است که به مناسبت همایش بزرگداشت وی در ارتباط با آثار، و ویژگی اخلاقی و علمی وی نوشته شده است. هدیه بهارستان به زنده‌یاد استاد میرجلال‌الدین محدث ارموی تألیف عبدالحسین طالعی اثر دیگر در این باره است که شامل مجموعه مقالاتی در چهار بخش گزیده آثار، معرفی آثار، اسناد و تصاویری از محدث ارموی و ... می‌باشد. اثر دیگر میراث محدث ارموی (آثاری چند درباره دعای ندبه) نوشته سیدجعفر اشکوری در مورد زندگی‌نامه و گزارشی از کتابخانه شخصی وی، تحقیق متن رساله وسیلة القربة

فی شرح دعاء الندبہ و ... است. علاوہ بر این، مقالات متعددی نیز در مورد وی بہ تحریر در آمدہ است. «سید جلال الدین محدث ارموی» تألیف علی صدرایی خوئی، «مرحوم محدث ارموی احیاگر میراث تشیع» اثر پویا جہانبخش و موارد مشابہ دیگر کہ بہ شرح حال محدث، معرفی آثار و سیرہ علمی و اخلاقی وی و نہایتاً بہ بیان سبک وی در تصحیح متون پرداختہ اند، نمونہ‌هایی از این دست است.

ہمان طور کہ مشاہدہ می شود در ہیچ یک از آثار مذکور و موارد مشابہ، روش حدیث پژوهی محدث ارموی، آن ہم با تأکید بر استخراج مبانی انجام نشدہ است، بلکہ در غالب این آثار، پس از زندگی نامہ و معرفی تألیفات وی، تنہا نسخہ پژوهی وی در تصحیح متون مورد تحلیل و ارزیابی واقع شدہ است. لذا، در این پژوهش با واکاوی توضیحاتی کہ محدث ارموی در پانوشت‌های طولانی بہ هنگام تصحیح متون بہ دست دادہ و نیز با توجہ بہ نکتہ‌هایی کہ در شرح دعای ندبہ آورده است، بہ استخراج مبانی محدث ارموی در ارزیابی و نقد متنی و سندی روایات، پرداختہ می شود.

۲. مبانی محدث ارموی در بررسی سند حدیث

شناخت محتوای حدیث و دلالت آن را باید از ارکان مهم استفادہ از حدیث برشمرد؛ چراکہ ہدف نہایی استفادہ کنندگان از حدیث آن است کہ از متن و محتوا و مدلول آن بہرہ گیرند. اما این مدلول یابی، کہ در دانش فقہ الحدیث مورد توجہ است، زمانی می تواند در جایگاہ منطقی خود قرار گیرد کہ صدور روایت از معصوم (ع) بہ نحوی احراز شود (رحمان ستایش، ۱۳۹۷ ش، ۳۹)، از این رو بررسی سند ضرورت می یابد. محدث ارموی در ارزیابی سند حدیث بہ اصول و باورہایی پایبند است کہ بہ شرح ذیل می باشد:

۲-۱. لزوم احراز صدور حدیث از معصوم (ع)

قبل از ورود بہ بحث از معنای یک روایت، لازم است از صحت صدور آن از معصوم (ع) - بہ عنوان یکی از اصول مهم در فقہ الحدیث - اطمینان یابیم، زیرا با فرض وجود شک در وجود اصل روایت، تحلیل و بررسی متن آن بیہودہ خواہد بود (نک. میر جلیلی، ۱۳۹۶ ش، ۹۵؛ شریفی، ۱۳۹۸ ش، ۲۴۳). محدث ارموی در مواجہہ با روایات منتسب بہ اہل بیت (ع)، تلاش کردہ است با ذکر دلیل روایات را قبول و یا رد کند. بہ عنوان مثال در بررسی سند دعای ندبہ بررسی های مفصلی انجام دادہ کہ نشان از دقت نظر و تتبع گسترده وی در ہمہ جوانب سند دارد. از جملہ در پاسخ بہ این سؤال کہ آیا دعا از

امام معصوم (ع) صادر شده است یا خیر، دلایلی را با استناد به کتاب‌های مرتبط بیان نموده و این دعا را هم از طریق سند و هم از جهت متن بررسی کرده است. هم چنین در پاسخ به این سؤال که جمله «هذا دعاء لصاحب الزمان» به چه معنا بوده و آیا از جانب صاحب‌الزمان است یا معصوم دیگر، چنین پاسخ می‌دهد که برخی معتقدند: «دعا از جانب امام صادق (ع) صادر شده است». وی با ذکر دلایل و استنادهایی این عقیده را رد می‌کند.

مواردی که محدث ارموی در پژوهش‌های خود به منابع حدیثی ارجاع داده و اصطلاحاتی که در مورد سند به کار برده، بیانگر توجه وی به بررسی‌های سندی و احراز صحت آن است که شرط پذیرش و مقبولیت حدیث است.

به عنوان نمونه ذیل حدیث «خالد بن عرفة از امّ حکیم دختر عمرو الخولیه نقل کرده است که او هنگامی که علی (ع) بر منبر خطبه می‌خواند، شنید که فردی به آن حضرت گفت که یا امیرالمؤمنین برای خالد بن عرفطه استغفار کن، زیرا که در زمین تیم از دنیا رفته است. امیرالمؤمنین گفت: دروغ می‌گوئی! بخدا قسم که او نمرده است و نخواهد مرد تا این که از باب الفیل داخل شود و بیرق گمراهی را بدوش بگیرد. امّ حکیم گفت من شاهد بودم که چنان که علی (ع) فرمود خالد بن عرفطه بیرق معاویه را به دوش گرفته و از باب الفیل وارد شد و آن را در وسط مسجد قرار داد». در کتاب فضل بن شاذان (۱۳۹۸ش، ۶۹)، ضمن اشاره به این که، این روایت در منابعی چون الخصائص، الاختصاص، اعلام‌الوری، بحارالأنوار، مناقب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)، شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید (م ۶۵۶) و چند منبع دیگر به همین شکل و یا با اندکی تفاوت نقل شده است، یادآوری می‌کند که شیخ مفید در الإرشاد درباره این روایت می‌گوید: «وَهَذَا أَيْضاً خَبْرٌ مُسْتَفِيضٌ لَا يَتَنَّاكَرُهُ أَهْلُ الْعِلْمِ الرَّوَاةُ لِلْإِتِّتَارِ وَهُوَ مُتَشَرِّفٌ فِي أَهْلِ الْكُوفَةِ ظَاهِرٌ فِي جَمَاعَتِهِمْ لَا يَتَنَّاكَرُهُ مِنْهُمْ أَثْنَانٍ وَهُوَ مِنَ الْمُعْجَزِ الَّذِي ذَكَرْنَاهُ^۱». آن‌گاه می‌افزاید علاوه بر شیخ مفید، طبرسی در اعلام‌الوری و ابن شهر آشوب در مناقب، نیز این خبر را مستفیض دانسته‌اند (همان، ۷۰-۷۲).

وی همچنین ضمن بیان معنای حدیث نبوی «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلَيْبَسُوا مَعَهُدَةً مِنَ النَّارِ» از النهایة، اقوالی را از منابع فریقین ذکر می‌کند که بر اساس آن‌ها، این روایت متواتر است (همان، ۲۰۰). به عنوان نمونه در مجمع‌البحرین بعد از بیان این

۱. شیخ مفید می‌گوید: این خبر نیز «مستفیض» است و اهل علم که گزارش‌گر تاریخ‌اند، آن را انکار نکرده‌اند. داستان در بین مردم کوفه مشهور و برای همه آشکار بوده است و از آنان، حتی دو نفر نیز آن را منکر نمی‌شده‌اند. و این، از معجزه‌هایی است که بیان کردیم.

حدیث و معنای آن آمده است: «وَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْحَدِيثُ غَايَةَ الْإِسْتِهَارِ وَحَتَّى قِيلَ بِتَوَاتُرِهِ لَفْظًا» (همان، ۲۰۱). در وصول الاخبار الی اصول الاخبار بعد از ذکر حدیث آمده است: «مُتَوَاتِرٌ عِنْدَ الْعَامَّةِ...». در همین موضوع از شهیدثانی در البداية فی علم الدراية و مامقانی در مقباس الهدایة نقل می‌کند. محدث در ادامه از سیدحسن صدر (م ۱۳۵۴) در شرح الوجیزه ضمن بحث از معنی متواتر و نقل اقوال مختلف درباره آن می‌گوید: «لا أَفْرَاطَ وَلَا تَفْرِيطَ فَإِنَّ حَدِيثِي الْعَدِيرِ وَالْمَنْزِلَةَ مُتَوَاتِرٌ عِنْدَنَا وَحَدِيثُ مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ إِلَيَّ آخِرُهُ مُتَوَاتِرٌ بِالِاتِّفَاقِ» (همان، ۲۰۱). علاوه بر این، محدث از منابع اهل سنت مانند نزہة النظر فی توضیح نخبة الفکر ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)، الجامع الصغیر سیوطی، فیض القدیر مناوی (م ۱۰۳۱) و قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث اقالی را در مورد متواتر بودن این روایت و اثبات آن نقل و اشاره می‌کند که بحث درباره این حدیث و تصریح به صحت صدور آن و اثبات نقلش، بسیار است. وی در ادامه خواننده را برای مطالعه بیش تر درباره تواتر این حدیث، به کتاب الموضوعات ابن جوزی (م ۵۹۷) ارجاع می‌دهد.^۱

نمونه دیگر حدیث ثقلین است، محدث ضمن بیان این مطلب که حدیث مذکور، در میان فرق شیعه و اهل سنت، متواتر است، مخاطب را برای مطالعه طرق آن، در بین خاصه و عامه، به برخی منابع ارجاع می‌دهد (همان، ۳۳۴).

همچنین در تعلیقات نقض^۲ درباره حدیث منزلت و اخوت می‌گوید: «هریک از این دو حدیث، در میان مسلمین متواتر و مورد قبول فریقین خاصه و عامه است». وی در این باره به تحقیق مختصری از علامه مجلسی اکتفا کرده و کسانی را که مایلند به اطلاعات تفصیلی در این باره دست یابند، به جلد نهم بحار و غایة المرام و نظایر آن‌ها ارجاع داده است (حسینی ارموی، ۱۳۵۸ ش، ۱: ۳۵۴-۳۶۲؛ برای نمونه بیش تر نک. فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۳۸۷).

۲-۲. لزوم ارزیابی رجال حدیث

از مهم‌ترین دانش‌های حدیثی، علم رجال است که شناخت احوال راویان و رجال حدیث را بر عهده دارد و از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای در میان علوم اسلامی برخوردار است.

۱. همان، ۲۰۲. محدث متواتر بودن این حدیث را در تعلیقات نقض نیز بیان کرده است و به منابع گوناگون ارجاع داده است. نک: ارموی، تعلیقات نقض، ۲: ۱۱۲۶.

۲. کتاب نقض تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی، از آثار فارسی به جای مانده از قرن ششم هجری می‌باشد که از جهات گوناگون همچون اشمال بر اطلاعات تاریخی و جغرافیایی حائز اهمیت است. این کتاب همراه با تصحیح و تعلیقات محدث ارموی، به چاپ رسیده است.

این علم دارای نقش بسیار ارزشمندی در تحلیل و ارزیابی اسناد روایات و پی بردن به صحت و سقم و صدور آن‌ها از معصوم (ع) یا دیگر افرادی که حدیث بدان‌ها منتهی می‌شود اعم از صحابه یا تابعان، است.

محدث ارموی در مقدمه، پانوشت و تعلیقات آثار خود از دانش رجال بسیار بهره گرفته است. علاوه بر این، کتاب الفهرست رازی^۱ از جمله کتاب‌هایی است که محدث آن را به عنوان پایان‌نامه دکتری خود تصحیح کرده است. وی در مقدمه خود بر الفهرست رازی مختصراً با استناد به قرآن و احادیث به فائده علم تاریخ پرداخته و در ادامه مطالبی را در اهمیت این کتاب رجالی بیان کرده است. به گفته وی علاقه وافر او به علم رجال سبب شده است تا با الفهرست مأنوس گشته و در تصحیح کتاب النقص بر حسب ضرورت، مکرراً به آن مراجعه کرده و از این‌رو به اهمیت این کتاب و جایگاه آن بیش از پیش پی برده و همین امر انگیزه‌ای شده است تا محدث کتاب را تصحیح کند (نک، رازی، ۱۳۶۶ش، مقدمه محدث ارموی).

در پژوهش و تحقیقات محدث بر آثاری که تصحیح و چاپ کرده، بررسی‌های رجالی، بسیار بارز است. به گونه‌ای که در مقدمه‌ای که بر هر کتاب نگاشته، بر خود لازم دانسته است تا مؤلف کتاب را بسته به اهمیت کتاب و شأن و جایگاه مؤلف آن، معرفی کند. بنابراین، در برخی مقدمه‌ها با انبوهی از مطالب رجالی روبرو می‌شویم. به خصوص زمانی که مؤلف جزء راویان احادیث باشد. همانند مؤلف الإيضاح، مؤلف الغارات و مؤلف المحاسن. این افراد از جمله کسانی هستند که محدث اطلاعات رجالی بسیاری از جمله توثیقات رجالیان را که سبب اعتماد و اعتبار است، درباره آن‌ها ذکر کرده است. در شرح آقاجمال خوانساری بر غررالاحکم هم به دلیل شأن و جایگاه مؤلف کتاب و شارح آن، بررسی‌های مفصلی را در این زمینه انجام داده است (نک. خوانساری، ۱۳۶۶ش، ۶۷).

علاوه بر این محدث درباره بعضی از راویانی که در سلسه سند احادیث قرار گرفته‌اند، اطلاعات رجالی مفصلی را در پانوشت‌ها و تعلیقات خود آورده است.^۲ به عنوان مثال در مقدمه شرح دعای ندبه هنگام بررسی سند این دعا، درباره وثاقت

۱. کتاب فهرست أسماء علماء الشیعه و مصنفیهم تألیف منتجب‌الدین رازی، از علمای شیعه در قرن ششم، است که در آن فهرست اسامی علمای شیعه و کتاب‌های آنان آمده است.

۲. این اطلاعات رجالی را می‌توان در تعلیقات الإيضاح و تعلیقات الغارات مشاهده نمود. هم‌چنین تعلیقات مفصلی را بر الفهرست رازی نوشته است و شرح حال مفصلی از اشخاص مذکور در متن کتاب را آورده است.

محمد بزوفری که به شکل مستقل در کتاب‌های جرح و تعدیل و تراجم نیامده است، مؤلفه‌هایی را در نظر داشته که سبب توثیق وی شده و درباره آن‌ها نیز مطالبی را با استناد به برخی از کتب رجالی بیان کرده است. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱- توجه بزرگان مشایخ

از جمله شواهدی که از نظر محدث سبب توثیق محمد بزوفری می‌شود، اعتنای بزرگان به احادیث وی و اخذ روایت از اوست. زیرا طبق گفته علمای متأخر اگر طرق روایت صحیح باشد، می‌توان به راوی اعتماد نمود (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ ش، ۱: ۱۸۵).

۲- اختصاص کتبه به یک فرد

مؤلفه دیگر در این باره، ذکر کتبه برای وی است، به این صورت که در تمام روایات الغیبه طوسی محمد بزوفری با کتبه و نام ذکر شده، اما از دیگر بزرگان و افرادی همچون شیخ مفید، حسین بزوفری و غیره یاد نشده است. این امر نشان از جلالت وی دارد (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ ش، ۱: ۱۸۹).

۳- تشیع

مؤلفه دیگر تصریح به شیعه‌بودن فرد است. محدث به مذهب تمام راویان و مؤلفان به عنوان مؤلفه‌ای برای توثیق پرداخته است. به گونه‌ای که اگر به مذهب راوی مستقیماً اشاره نشده باشد، با ذکر شواهد و ادله مذهب آن‌را مشخص می‌کند (نک. حسینی ارموی، ۱۳۹۴ ش، ۱: ۶۸). مثلاً در مورد محمد بزوفری تصریحی به شیعه بودنش نشده است. محدث با بررسی روایات الغیبه شیخ طوسی که درباره امامت دوازده امام (ع) از دو فرقه وارد شده است، و با توجه به این که شیخ طوسی قبل از نقل روایات خاصه گفته: «فَأَمَّا مَا رُوِيَ مِنْ جَهَةِ الْخَاصَّةِ فَأَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَ غَيْرَ أَنَا نَذْكَرُ طَرَفًا مِنْهُ» و هنگام نقل اخبار عامه گفته: «فَمِمَّا رُوِيَ فِي ذَلِكَ مِنْ جَهَةِ مُخَالِفِي الشَّيْعَةِ»، به این نکته دست یافته که محمد بزوفری در طرق روایات خاصه قرار دارد. افزون بر این، بزوفری در همین روایات، حدیث لوح^۱ را نیز نقل کرده است. محدث با استفاده از این شواهد موجود در الغیبه، معتقد است که این عبارت تصریح به امامی بودن اوست، از طرفی مواردی دیگر مانند اعتماد مشایخ و ترصّی و ترحم و دلالت مضمون اخباری که

۱. حدیث لوح حضرت فاطمه زهرا (س)، از احادیث منقول از پیامبر اسلام (ص) برای اثبات امامت ائمه دوازده‌گانه شیعه می‌باشد (برای مشاهده حدیث نک. کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲۷).

نقل کرده و هم‌چنین نقل دعای ندبه که تنها از معتقدان به امام زمان (عج) و دوازده امام صادر می‌شود، بر شیعه بودن بزوفری دلالت می‌کند (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۱۹۰).

۴- ترحم و ترضی معصوم یا بزرگان شیعه

از دیگر شواهدی که محدث در دست‌یابی به وثاقت راویان از جمله بزوفری به آن توجه دارد، ترحم و ترضی است. گاهی در احوال راویان ترحم از سوی امام معصوم (ع) است که از نظر رجالیان این عبارت محل اعتناء و سبب مدح راوی است. چنان‌که این عبارت از سوی امام (ع) در مورد فضل‌بن‌شاذان صادر و مورد توجه عالمان رجالی واقع شده است (نک. فضل‌بن‌شاذان، ۱۳۹۸ش، ۷۱).

اما گاهی این عبارات از سوی بزرگان متقدم و یا متأخر است. در مورد بزوفری نیز بدین نحو است؛ به این معنی که ترحم و ترضی بر بزوفری قطعاً از سوی متقدمین است و آن‌گونه که از عبارت مجلسی و کلیبری برمی‌آید، بزرگان متأخر او را نمی‌شناسند تا چه رسد به کاتبان و امثال آن‌ها که در حق بزرگان معلوم‌الحال از خود «رحمة الله» یا «رضی الله» می‌افزوند. بنابراین، بزوفری در سند دعای ندبه از سوی ابن‌ابی‌قره و در امالی از سوی شیخ مفید مورد ترضی قرار گرفته و بزوفری از مشایخ بلاواسطه این دو نفر است. لذا، از نظر محدث ارموی مطلقاً مفید تعظیم و تجلیل است. به خصوص آن‌که در قبل و بعد این شخص بزرگان دیگری قرار گرفته‌اند، اما ترضی و ترحم به بزوفری اختصاص یافته است (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۱۹۱).

۵- داشتن کتاب یا اصل دلیل مدح

معیار دیگر در این باره، داشتن کتاب یا اصل است. محدث در تمام آثار پژوهشی خود تألیفات مؤلفان را ذکر و آثار آن‌ها را معرفی نموده است. در سند دعای ندبه چون دعا از کتاب بزوفری نقل شده، نقلی را درباره داشتن کتاب و اصل ذکر است. در این نقل آمده است که مدح رجل با داشتن کتاب، بیشتر از مدح کسی است که صاحب اصل است. چراکه صاحب کتاب بودن متضمن علو در علم همراه با سختی و مشقت صاحب آن است و نشانگر اجتهاد در دین و سپری کردن عمر در تحصیل است. هم‌چنین کتاب، شامل استدلالات و استنباط‌های شرعی و عقلی است. این در حالی است که در اصل به این شکل نیست. زیرا اصل مجموعه‌ای از عبارات ائمه (ع) است بدون این‌که همراه با اجتهاد و استنباط باشد. از این رو، مقام صاحب کتاب، بالاتر از صاحب اصل است (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۱۹۶).

۶- قبول توثیق عام

علاوه بر توثیق خاص، گاهی جمع بسیای از روایان تحت یک قاعده و ضابطه خاص توثیق می‌شوند که از آن به توثیقات عام تعبیر می‌شود. مهم‌ترین این گروه اصحاب اجماع هستند. روایان کتاب المزار مشهدی (م ۶۱۰) نیز در زمره توثیقات عام است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۵۱). محدث ارموی به جهت آن‌که دعای ندبه در المزار روایت شده است و بزوفری هم از روایان المزار محسوب می‌شود، همچنین با اعتماد به کلام مشهدی - که همه روایان کتاب خود را به نوعی موثق دانسته - و با استناد به کلام صاحب مستدرک - که مشهدی را مورد اعتماد می‌داند - توثیق بزوفری را می‌پذیرد (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۱۶۸-۱۶۶. توضیح بیش‌تر نک. همان، ۹۴).

۳. مبانی محدث ارموی در بررسی متن حدیث

نقد درونی یا محتوایی، به معنای دقت در محتوای حدیث، برای اطمینان از صحت آن است. ارموی نیز در پژوهش‌های خود هیچ‌گاه از متن احادیث غافل نبوده است. وی با استفاده از علم صرف، نحو و بلاغت همواره کوشیده است تا معنای درستی از احادیث را به مخاطب ارائه دهد. اگرچه هدف اصلی وی تصحیح متون بوده، اما تلاش‌هایش در این زمینه، دیدگاه او در بررسی روایات را روشن می‌سازد. ظهور این دیدگاه را در شرح دعای ندبه به وضوح می‌توان دید. وی در شرح هر عبارت از دعا ابتدا به معنای لغات و شرح آن‌ها می‌پردازد تا معنای صحیحی از دعا را ارائه دهد، سپس متن احادیث را با آیات و روایات مستند می‌سازد. در این خصوص پیش‌فرض‌هایی دارد که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۳. لزوم موافقت حدیث با قرآن

قرآن، قطعی‌ترین نص و محکم‌ترین سند مکتوب مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین معیار برای نقد و فهم حدیث است. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌هایی که محدث ارموی بر اساس آن به بررسی و نقد احادیث می‌پردازد، عدم مخالفت آن با قرآن است. به گونه‌ای که هر جا روایتی مخالف با قرآن باشد، آن را رد می‌کند. مثلاً محدث در بحث تحریف قرآن در مواجهه با روایاتی که از سوی عامه نقل شده است و فضل‌بن‌شاذان در بحث‌های کلامی خود با اهل سنت به آن احتجاج می‌کند، در مقام تأیید کلام فضل و دفاع از مکتب شیعه، این روایات را در منابع معتبر اهل سنت بازیابی کرده و می‌نویسد: «اعتقاد به مضامین اخبار تحریف قرآن که در نظر اهل تحقیق از

درجه اعتبار ساقط است، بنیان دین را می‌شکند و ارکان یقین را ویران می‌کند و ارزش و بهای اسلام را از بین برده و سرچشمه‌های احکام را مکدر می‌کند، لذا، باید از آن به خداوند پناه برد». وی در ادامه مخاطب را به تفسیر آلاء الرحمن ارجاع داده تا از تحقیق ژرف علامه بلاغی (۱۳۵۲م) در این باب بهره‌مند شود (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ش، ۲۲۰). علاوه بر این، محدث محتوای برخی روایات را با آیات قرآن مستند می‌سازد. به عنوان مثال در شرح دعای ندبه عباراتی مشاهده می‌شود که امام (ع) آن را از قرآن اخذ کرده است. محدث ضمن اشاره به این آیات، در بیان مراد و مقصود امام (ع) از ذکر آن، از تفاسیر نیز بهره می‌جوید. مثلاً در شرح عبارت «وَأَتَيْتَهُ الْبَيْنَاتِ وَأَيْدَتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ» بیان می‌کند که این جمله، مأخوذ از آیات ۸۵ و ۲۵۳ سوره بقره است: «... وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ...». در ادامه به نقل از مجمع البیان تفسیر این آیه را متذکر می‌شود (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۶۵۵؛ برای توضیح بیش تر نک. همان، ۱۰۶).

۲-۳. لزوم موافقت حدیث با سنت

در آیات قرآن و گفتار معصومان (ع) بر سیره و سنت، به عنوان یک معیار استوار در رد یا پذیرش احادیث، تأکید شده است. در همین راستا فقها و محدثان بزرگ شیعه، گفتار ائمه (ع) را اساس کار خود قرار داده و در پذیرش روایت، شرط عدم مخالفت آن با سنت را لحاظ کرده‌اند. محدث ارموی نیز به عنوان یک حدیث‌پژوه این معیار را مدنظر داشته است. به عنوان نمونه فضل بن شاذان از قول عامه روایت «أَنَّهُ شَرِبَ الْمَسْكَرَ وَأَمَرَ بِشُرْبِهِ وَأَنَّهُ زَفَعَ إِلَيْهِ اِنَاءً مِنْ شَرَابٍ فَقَرَّبَهُ مِنْ فِيهِ فَقَطَّبَ مَنَعَ فَدَعَا بِمَاءٍ فَصَبَّهُ عَلَيْهِ وَشُرْبِهِ ثُمَّ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ أَشْرَبْتُمْ فَاسْكُرُوا بِالْمَاءِ» منقول از پیامبر (ص) را نقل کرده است. محدث در پانوشت خود درباره این روایت، می‌نویسد: «يُظْهَرُ أَنَّ امْتِثَالَ هَذِهِ الرُّوَايَاتِ انْمَا هِيَ مِنْ دُسِّ الْوَضَاعِيِّنَ وَافْتِرَاءِ الْمُخْتَلِقِينَ نَظِيرُ حَدِيثِ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى نَفْسَهُ مِنْ عَرَقِ الْحَيْلِ وَالْأَفْكَيفِ يُمَكِّنُ أَنْ يَتَّفِقُوهُ مُسْلِمًا بِأَمْثَالِ هَذِهِ الْإِبَاطِيلِ فَضْلاً مِنْ أَنْ يُرْوِيَهَا وَيُصَدِّقَهَا». افزون بر این، متذکر می‌شود که در هیچ مرجع و منبعی چنین روایتی را نیافته و احتمالاً مصنف از مأخذی که در دست داشته، آن را گرفته است. وی در ادامه می‌گوید: «به ظن قوی، این روایت منسوب به عمر است و امر یا بر مصنف یا صاحب مأخذی که مصنف از او اخذ کرده، مشتبه شده است. زیرا نظیر این عبارت در کتب اهل سنت و جماعت درباره عمر نقل شده است». سپس برای تقویت ظن خود روایاتی را از الغدیر، کنز العمال، احکام القرآن جصاص، جامع المسانید

ابوحنیفه و مستدرک حاکم نقل می‌کند که حاکی از نوشیدن نبیذ (شراب) غلیظ توسط عمر بن خطاب است (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۲۷۰-۲۷۲). اگرچه محدث تصریح به مخالفت متن روایت با آیات قرآن و سنت پیامبر (ص) نکرده، اما آنچه سبب شده که وی این روایت را جعلی بداند، آن است که متن آن به طور قطع، علاوه بر مخالفت با آیات صریح قرآن، با سنت قطعی پیامبر (ص) هم مخالف است.

۳-۳. لزوم موافقت حدیث با ضروریات دین و مذهب

مسلمات هر دین و مذهب آموزه‌هایی است که به تواتر برای پیروان آن مذهب، نقل و با دلایل استوار چنان اثبات شده است که تردید در آن را روا نمی‌بینند و هیچ مخالفت و انکاری را نسبت به آن بر نمی‌تابند. برای نمونه، مسلمانان هیچ‌گاه نمی‌پذیرند که پیامبر (ص)، مرتکب گناه شود. شیعه نیز، نسبت دادن کار ناشایست به ائمه معصوم (ع) را بر نمی‌تابد (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۲۵۲). محدث ارموی در پژوهش‌های خود با جدیت از این عقیده و مبنا، دفاع کرده و روایتی که مغایر با آن است را، رد می‌کند.

به عنوان نمونه فضل بن شاذان عامه را به دلیل نسبت دادن دروغ به حضرت ابراهیم (ع) مورد طعن قرار داده و می‌گوید: «وَحَتَّى نَحَلْتُمْ اِبْرَاهِيمَ عَ الْكُذْبِ فِي قَوْلِهِ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا وَمَا فَعَلَ شَيْئًا فَرَعَمْتُمْ اَنْ هَذَا كَذِبٌ وَاللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا اِبْرَاهِيمَ عَلٰى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نِّشَاءٍ فَرَعَمْتُمْ اَنْ حُجَّةَ اَللّٰهِ كَذِبٌ وَقُلْتُمْ اِنَّهُ قَالَ اِنِّيْ سَقِيمٌ وَلَمْ يَكُنْ سَقِيمًا فَرَعَمْتُمْ اَنْ هَذَا الْقَوْلُ مِنْهُ كَذِبٌ وَاِنَّهُ كَانَ مِنْهُ طَاعَةٌ» (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۳۴۹).

ارموی این روایت را از العرائس ثعلبی و تفسیر ابوالفتوح رازی بیان و جواب علما و بزرگان را در رد این نسبت کذب، بیان می‌کند. از جمله رديه سيدمرتضى رازی در تبصرة العوام را بیان نموده که چنین می‌گوید: «بدان که هرکس بگوید جایز است که رسول خدا سه دروغ گوید، بیش از سه دروغ هم روا می‌داند، و اگر دروغ گوید دیگر معصوم نیست و به قول او نمی‌توان اعتماد کرد. پس فرستادن رسول به سوی خلق کار بیهوده‌ای است. چون در این صورت قول او حجت نیست و این معنی از این طایفه بی‌دین عجیب نیست که عطوی از شاگردان ابوالحسن اشعری گوید: «دروغ بر خدا جایز است، پس بر انبیاء به طریق اولی». در این صورت نه بر قول خدا و نه بر قول رسول، اعتمادی نیست، تعالی الله عما یقولون» (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۳۲).

محدث در ادامه دیدگاه سیدمرتضی علم الهدی (م ۴۳۶) را در این باره از کتاب

تنزیه الانبیاء بیان می‌کند. سید مرتضی معتقد است، عقاید مردم درباره عصمت انبیاء با یکدیگر مختلف است. شیعه امامیه هیچ نافرمانی و گناه صغیره و یا کبیره‌ای را، قبل یا پس از نبوت بر ایشان روا نمی‌داند. اعتقاد آنان در مورد ائمه (ع) نیز چنین است. اما حشویه و اهل حدیث انجام گناهان کبیره یا گناهان صغیره از جانب پیامبران را روا دانسته‌اند. این در حالی است که معتزله فقط انجام دادن گناهان کبیره و صغیره‌ای را که موجب کاهش جایگاه پیامبران در بین مردم - چه پیش از نبوت چه پس از آن - است، روا ندانسته‌اند. اما در هر دو حال انجام دادن گناهان صغیره‌ای را که موجب وهن انبیاء نیست، جایز شمرده‌اند. در عین حال دو گروه معتزله و حشویه معتقد بودند که اگرچه انجام گناهان کبیره و صغیره از جانب امامان (در دیدگاه آنان امام یعنی حاکم اسلامی) غیر ممکن نیست، اما موجب عزل آنان از مقام خود می‌شود (همان، ۴۲).

ارموی خود در این باره می‌گوید: «اگر این افسانه‌ها و شایعات ناخوشایند ادامه یابد، از اساس دین آشکار و ستون‌های شرع محکم، چیزی باقی نمانده، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و این صراط مستقیمی که در آن کجی و انحرافی نیست، بیابانی می‌شود که خبرگان نیز در آن ره گم می‌کنند» (همان، ۳۴۹).

وی همچنین علاوه بر جعلی دانستن روایات منقول در منابع اهل سنت که حاکی از شراب نوشیدن پیامبر (ص) و علی (ع) است، می‌نویسد: «این گونه نسبت‌ها که در روایات متفرده است و عامه آن‌ها را روایت کرده‌اند، در کتاب‌های شیعی یافت نمی‌شود. زیرا شیعه همان‌گونه که انبیاء را معصوم می‌دانند، قائل به عصمت ائمه (ع) هستند» (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۲۷۸. برای نمونه‌های بیش‌تر: نک. همان، ۳۱، ۳۰).

۳-۴. لزوم موافقت حدیث با عقل

کاربرد عقل به شکل معیاری استوار برای کنار زدن احادیث ساختگی، در حوزه‌های علمی شیعی رایج بوده است و پس از راویان، عالمان نیز این معیار را به خدمت گرفته‌اند (مسعودی، ۱۳۹۲ ش، ۲۶۰). محدث ارموی نیز به این معیار مهم توجه نموده است.

در این باره می‌توان به روایتی از اصحاب حدیث و حشویه درباره اجابت درخواست زلیخا توسط حضرت یوسف (ع) و معصیت ایشان اشاره کرد. محدث نقدی را از تفسیر ابوالفتوح رازی ذیل آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا» (یوسف: ۳۴) نقل کرده که چنین است: «این سخنان بیهوده، غیرممکن و محال در نزد ما جایز نیست. زیرا به حکم قرآن، اخبار، شرع و عقل، خداوند پیامبران را منزله کرده و ایشان معصوم و مطهر بوده و

گناہان صغیرہ و کبیرہ بر ایشان جایز نیست. چراکہ در این صورت مکلفان نمی‌توانند از ایشان امتثال امر کنند. لذا، از آن‌جا کہ اطاعت از ایشان واجب است، خداوند ایشان را منزه کرده است. پس واجب است از زنا کہ جزء بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گناہان و خطاها است، منزه باشند» (فضل‌بن‌شاذان، ۱۳۹۸ش، ۳۳).

۳-۵. لزوم علو مضامین و فصاحت و بلاغت کلام صادرہ از معصوم (ع)

یکی از راه‌های شناخت حدیث، بررسی علو مضمون آن است. گاہ ممکن است این علو مضمون، چنان باشد کہ صدور آن از غیر معصوم، ناممکن شمرده شود. محدث ارموی بہ این مینا نیز توجہ بسیاری داشته است. وی معتقد است کہ روایات را از اسلوب متن می‌توان شناخت و صدور و یا عدم صدور آن از معصوم (ع) را نتیجہ گرفت.

بہ عنوان مثال در بررسی دعای ندبہ، متانت اسلوب و علو مضامین دعا را بہ عنوان دو شاهد و دلیل بر صدور دعا از معصوم (ع) و اعتبار آن می‌داند. بہ گونه‌ای کہ حتی برای ذکر سند و شرح آن فایده چندانی متصور نیست، زیرا علو مضامین و فصاحت و بلاغت عبارات آن بہ حدی است کہ بر صحت صدور آن از ائمہ معصومین علیہم السلام دلالت می‌کند و ذکر سند و شرح آن را تنها از جهت اطمینان قلب و بہ خاطر تیمّن و تبرکی کہ قدما برای بیان سند احادیث قائل بوده‌اند، می‌داند (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۱۴۵). وی در دفاع از دیدگاہ خود، بہ منابع دیگر و دیدگاہ‌های بزرگان در این بارہ نیز استناد کردہ است. از جملہ نظر مؤلف عقد الجمان را دربارہ استواری متن دعا و مضامین آن نقل و سپس کلام مؤلف را این‌گونه معنا کردہ است: «این سخن بہ معنای کشف اعتبار خبر و استشمام رایحہ صدورش از معصوم (ع) از روی علو مضمون، استحکام اسلوب و معانی متین دعا است. ہم‌چنین عظمت و بزرگی مبانی و روش علما را نشان می‌دہد کہ در کتاب‌هایشان بہ آن سفارش می‌کردند» (همان).

محدث ہمچنین در خصوص این مبنا، کلام شہیدثانی و محقق داماد (۱۳۸۸م) در رابطہ با راه‌های شناخت حدیث موضوع کہ یکی اقرار واضح و دیگری رکاکت لفظ و سخیف بودن معانی است را، نقل کردہ و بیان می‌کند: «برای اہل علم این دو ملاک مهم و استوارند، تا جایی کہ در صورت ضعف سند یک حدیث، اما صحت متن، آن حدیث پذیرفتہ خواهد شد. خصوصاً اگر از اسلوب محکم، بلاغت، اسرار مخفی و رازهای علوم و نظایر آن برخوردار باشد، صدور آن جز از معصوم غیر ممکن است (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ش، ۱: ۱۳۹).

ارموی در گواه بر این گفتار، احادیثی را از جلد چهارم بحارالانوار ذکر کرده که علامه مجلسی با وجود ضعف در سند، به دلیل بلاغت کلام و علو مضامین، به صحت حدیث حکم داده است (همان).

وی برای قوت بخشیدن به این موضوع، به کلام مامقانی و بهبهانی هم استناد کرده است. در کلام بهبهانی بعد از ذکر قرائن اعتماد و نشانه‌های وثوق روایت آمده است: «بدان، نشانه‌ها و قرائن بسیارند: از جمله قرینه‌ها بر حجیت خبر، این است که عمل یا فتوا بدان مورد اتفاق باشد یا آن‌که به حسب روایت یا فتوا مشهور باشد، یا مانند مقبوله عمرین حنظله مقبول باشد، یا با کتاب و سنت و اجماع و حکم عقل، یا تجربه موافق باشد، مانند آنچه که درباره ویژگی‌های آیات، اعمال و دعاها اثر آن امتحان شده است؛ از جمله قرائت آخر سوره کهف به قصد بیداری در ساعتی که اراده می‌شود یا آن‌که در متن حدیث چیزی است که به صدور آن از ائمه گواهی می‌دهد، مانند خطبه‌های نهج‌البلاغه و نظایر آن و صحیفه سجادیه و دعای ابی حمزه و زیارت جامعه کبیره و غیر آن» (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ ش، ۱: ۱۴۱).

محدث در تأیید کلام بهبهانی، سخنان ابن‌ابی‌الحدید درباره نهج‌البلاغه را ذکر کرده است. در قسمتی از بیان وی در پاسخ کسانی که برخی از خطبه‌ها، نامه‌ها یا کلمات قصار نهج‌البلاغه را جعلی می‌دانند، آمده است: «کسی که با سخن و خطبه انس داشته باشد و از علم بیان طرفی بسته و بهره‌ای برده باشد و در این باب قریحه داشته باشد، لاجرم میان گفتار رکیک و فصیح، فصیح و فصیح‌تر و سخن اصیل و بدل، فرق خواهد گذاشت ... آیا نمی‌نگرید که ما با شناختی که نسبت به شعر و نقد آن داریم، اگر دیوان «ابی‌تمام» را ورق بزنیم و در ضمن آن یک یا چند قصیده بیابیم که از او نیست، بی شک با قریحه ادبی خود خواهیم یافت که آن با شعر و روح و سبک «ابی‌تمام» مابینت دارد ... با این برهان روشن، گمراهی آن که گمان کرده بود همه نهج‌البلاغه یا قسمتی از آن به علی (ع) منسوب نیست، آشکار گردید. همو در ادامه می‌نویسد: «چون در نهج‌البلاغه تأمل کنی، آن را آب یکپارچه و روح یگانه و سبک واحد خواهی یافت، بسان جسم بسیط که حقیقت برخی از اجزای آن با حقیقت اجزای دیگر تفاوتی ندارد؛ مانند قرآن کریم که آغاز آن مانند میانش و میان آن بسان پایانش است و هر سوره و آیه‌ای از آن، در سرچشمه، مکتب، هنر، اسلوب و نظم، مانند آیات و سوره‌های دیگر آن است» (همان، ۱: ۱۴۲).

محدث بر اساس همین مبنا در جایی که کتابی دارای مضامین عالی باشد، اما برخی

مطالب ضعیف هم در آن کتاب وارد شده باشد، با تسامح برخورد می‌کند. شرح فارسی شهاب‌الأخبار که در آن از نقل برخی مطالب ضعیف درباره مستحبات و مکروهات عذرخواهی کرده و آن را مشمول قاعده تسامح در ادله سنن می‌داند، از این نمونه است (قضاعی، ۱۳۶۱ش، ۱۲؛ برای توضیح بیش‌تر نک. ۷۸).

وی در مقدمه شرح فارسی مصباح‌الشریعة که چند سال بعد از شرح فارسی شهاب‌الأخبار تصحیح کرده، با توجه به نظرات متفاوت عالمان در مورد اعتبار کتاب و استفاده از آن، معتقد است اگرچه کتاب بر حسب اسلوب با سایر اخبار ائمه (ع) تا حدی متفاوت است و به اسلوب کلمات عرفا و متصوفه شباهت بیش‌تری دارد، اما چون غالب مضامین آن از جهت معنا مطابق با اخبار و آیات است و در اشمال بر اصطلاحات صوفیه هم در حدی نیست که نتوان آن‌را به امام صادق (ع) نسبت داد، و برخی اصطلاحات آن هم قابل توجیه و تأویل است و از طرفی هم موضوع کتاب، اخلاق و آداب و مواعظ و نصایح و غیره است، پس می‌تواند مشمول قاعده تسامح در ادله سنن شود که به اتفاق آراء در آن‌ها اخبار ضعیف را می‌توان پذیرفت و مورد عمل و قبول قرار داد، و نسبت به امام را در جای خود باقی گذاشت، اگرچه به حدّ ثبوت نرسد. بنابراین کتاب را به جهت ذکر شدن سخنانی به نقل از امام از ربیع‌بن‌خثیم و امثال آن نمی‌توان به یک باره کنار گذاشت. لذا، باید آن را در بوته اجمال گذاشت و به صرف نسبت به آن حضرت قناعت کرد. اگرچه نسبتش را هم مسلم ندانیم، اما باید از کلمات حکمت‌آمیز و مواعظ پرفایده آن استفاده کنیم و به دستور عاقلانه «انظُرْ أَلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْتَظِرْ أَلَى مَنْ قَالَ» عمل کنیم. به ویژه که هرچه در این کتاب نقل شده، درباره تهذیب و تزکیه نفس است (گیلانی، ۱۳۶۶ش، ۱۴).

۳-۶. لزوم تأویل برخی احادیث

معنای اکثر احادیث روشن است و عموم مردم که مخاطب احادیث هستند، به مقصود آن‌ها پی می‌برند، ولی هم‌چنان که برخی از آیات قرآن کریم متشابه بوده و احتیاج به تأویل دارند، در احادیث نیز محکم و متشابه وجود دارد و هر حدیث متشابهی نیاز به تأویل دارد. مراد از تأویل حدیث انصراف و عدول از ظاهر حدیث به سبب دلالت‌های عقلی یا نقلی است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۵ش، ۱۸۶).

محدث در حدیث‌پژوهی این مبنا را نیز مد نظر قرار داده و اگر متن خبری به تأویل نیاز داشته باشد، به آن اشاره کرده است. در معنای روایت نبوی «لَا تَسُبُّوا الدَّهْرَ فَإِنَّ

اللَّهِ هُوَ الدَّهْرُ» محدث به آمالی سیدمرتضی استناد کرده و کلام او را درباره تأویل این خبر نقل کرده است. سیدمرتضی معتقد است خبر دو تأویل دارد: ۱- بعضی معتقدند معنای روایت آن است که دهر، فعل و اثری ندارد و خداوند است که آن را تدبیر و در آن تصرف می‌کند. پس روایت به این معناست: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ مُصَرِّفُ الدَّهْرِ» یا «إِنَّ اللَّهَ هُوَ مُدَبِّرُ الدَّهْرِ». ۲- برخی بر این باورند که روی سخن رسول خدا (ص) در این حدیث با اعراباست که عادت داشتند بدبختی، بیماری، خشک‌سالی و امور دیگر را به دهر نسبت دهند. مقصود پیامبر (ص) این است که خدا علت این امور است و هنگامی که دهر را به دلیل این امور دشنام می‌دهید، فاعل حقیقی، یعنی خداوند را دشنام داده‌اید. سیدمرتضی این تأویل را بر تأویل نخست ترجیح می‌دهد.

ارموی بعد از ذکر این کلام گفته است: «شبیبه به مضمون این روایت ابیاتی در فارسی هستند که حوادث را به روزگار نسبت می‌دهند مانند:

روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد (فضل‌بن‌شاذان، ۱۳۹۸ش، ۹).

وی همچنین درباره این حدیث گفته است: «الْحَدِيثُ مَشْهُورٌ وَ تَأْوِيلُهُ أَيْضاً وَ لَيْسَ مَحْمُولاً عَلَى ظَاهِرِهِ» (همان، ۱۸۲).

۳-۷. لزوم استفاده از شواهد نقلی در احراز صحت حدیث

از دیگر مبانی مورد توجه محدث ارموی در بررسی متن حدیث، لزوم بهره‌مندی از شواهد نقلی، علاوه بر شواهد عقلی است. این مبناى وی بر اساس اقوالی که از بزرگان نقل می‌کند، به دست می‌آید. به عنوان نمونه ذیل روایت «مَا كُنَّا نَبْعَدُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ أَنْ السَّكِينَةَ تَنْطِقُ عَلَى لِسَانِ عُمَرَ وَكَانَ مَلَكٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يُوَقِّعُهُ وَيَسُدُّهُ» (فضل‌بن‌شاذان، ۱۳۹۸ش، ۳۰۷)، متذکر می‌شود که از کلمات علمای عامه و مراجعه به کتاب‌هایشان روشن می‌شود که این روایت در نزد آن‌ها مسلم و مورد قبول است. وی در نقد این روایت و مضمون آن می‌نویسد: «أَمَّا عُلَمَاءُ الشَّيْعَةِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا بَلْ يُزَيِّفُونَهَا وَ يُكْذِبُونَهَا وَ يَسْتَدِلُّونَ عَلَى بَطْلَانِهَا بِدَلَائِلٍ عَقْلِيَّةٍ وَ شَوَاهِدٍ نَقْلِيَّةٍ» و سپس شواهد نقلی را بیان می‌کند. وی پاسخ سیدمرتضی را در الشافی به این روایت آورده است که می‌گوید: «صحت این خبر مستلزم عصمت عمر است، در حالی که کسی درباره وی چنین عقیده‌ای نداشته است. علاوه بر این، چگونه می‌توان معتقد بود که حق بر زبان کسی جاری می‌شود که در احکام نظرش تغییر می‌کند و بر خطای خود شهادت می‌دهد و چون در امری

با او مخالفت می‌شود از حکم و نظر خود برگشته و با مخالفش هم‌رأی می‌شود و می‌گوید: «لَوْلَا عَلَيَّ لَهْلَكُ عَمْرٌ» و «لَوْلَا مُعَاذُ لَهْلَكُ عَمْرٌ؟» و چرا خود عمر به این خبر در موقعیت‌هایی که بدان نیاز داشته احتجاج نکرده است» (فضل‌بن‌شاذان، ۱۳۹۸ش، ۳۰۸).

۳-۸. لزوم موافقت حدیث با تاریخ معتبر

از دیگر مبانی ارموی در بررسی متن حدیث، توجه به موافقت آن با تاریخ است. وی در حدیث‌پژوهی خود، به کتاب‌های تاریخی فراوان مراجعه کرده است و بسیاری از روایات را در آن‌ها بازیابی می‌کند. تطبیق برخی روایات با تاریخ روشی برای سنجش صحت و سقم آن است.

به عنوان نمونه فضل‌بن‌شاذان در بخشی که اعتراض‌های صحابه نسبت به عثمان را آورده، روایتی طولانی را نقل نموده که در آن حسن‌بن‌عمر العوفی ضمن نقل ماجرای مفصل، کلامی مشهور از ابی بن کعب را ذکر کرده است: «... فَوَلَّى اللَّهُ مَا زَالَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ مَكْبُوبَةٌ عَلَيَّ وَجِهَهَا مُنْذُ يَوْمٍ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) ...» (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ش، ۳۷۶).

محدث ابتدا این روایت را در منابع مختلف شیعی و سنی مانند المسترشد ابوجعفر طبری شیعی و البحار علامه مجلسی و طبقات ابن‌سعد و مستدرک حاکم نیشابوری و صفه الصفوه ابن‌جوزی بازیابی کرده است. هم‌چنین به نقل این روایت در شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید از رساله‌ای از زیدیه اشاره و بر این نکته تأکید می‌کند که ابن‌ابی‌الحدید و استادش، ابوجعفر یحیی‌بن‌محمد العلوی، برای جواز لعن صحابه‌ای که فسقشان ثابت شده است، بدان استناد کرده‌اند. آن‌گاه از اختلاف نظر درباره زمان درگذشت ابی‌بن‌کعب خبر می‌دهد که دو زمان، سال ۲۲ در خلافت عمر و سال ۳۰ در خلافت عثمان، در منابع اهل سنت برای آن ذکر شده است و برخی مانند ابن‌سعد و حاکم قول دوم را «اثبت الاقاویل» نامیده‌اند، اما ابن‌عبدالبر در الاستیعاب گفته است: «الْأَكْثَرُ إِنَّهُ مَاتَ فِي خِلَافَةِ عُمَرَ». محدث ارموی این سخن ابن‌عبدالبر را درست نمی‌داند و می‌گوید: «اواخر خلافت عثمان زمان اعتراض افرادی چون ابی‌بن‌کعب بود و در زمان عمر شرایط برای این نحو از اعتراض‌ها فراهم نبود» (فضل‌بن‌شاذان، ۱۳۹۸ش، ۳۷۴-۳۸۰؛ برای موارد بیشتر نک، ۱۱۴).

۴. مبنای محدث ارموی در بررسی خاستگاه حدیث: عقیده به لزوم اخذ حدیث از منابع معتبر

بسیاری از نقدهای محدثان نخستین، ناظر به کتاب، نه سند حدیث بوده است. توضیح آن‌که؛ هر اندازه منبع ضعیف‌تر و داوری کتاب‌شناسان درباره آن منفی‌تر باشد، اطمینان ما به حدیث، کاهش می‌یابد. از این‌رو، آگاهی از داوری فهرست‌نگاران و رجال‌شناسان برای شناسایی کتاب و نویسنده آن، مهم است و زمینه نقد روایات آن را فراهم می‌آورد. نامعلوم بودن راه رسیدن کتاب به ما و یا ناشناخته بودن نسخه اصلی و معرفی نشدن درست و صریح نویسنده نیز زمینه تضعیف را فراهم می‌آورد، هر چند تا جعلی خواندن کامل یک کتاب، راهی طولانی در پیش است و نیاز به همراهی نشانه‌های دیگر دارد (محمدی‌شهری، ۱۳۹۷، ش، ۲: ۵۷).

محدث ارموی نیز به این مهم توجه نموده و آن را مبنای حدیث‌پژوهی خود قرار داده است. گفتنی است منابع و مأخذی که وی در نسخه‌پژوهی و حدیث‌پژوهی مورد استفاده قرار داده، بسیار زیاد است. به گونه‌ای که این تعداد در شرح دعای ندبه بالغ بر ۴۸۸ منبع می‌باشد. وی به تناسب موضوع از مصادر معتبر و مشهور شیعه و حتی منابع معتبر اهل سنت نیز بهره گرفته و به آن‌ها استناد کرده است. محدث در بررسی کتاب‌ها و اعتبار آن و انتسابش به مؤلف دقت و وسواس فراوانی داشته است. این تلاش‌های وافر در مقدمه‌هایی که برای کتاب‌ها نوشته، کاملاً مشهود است. به نوعی که در برخی کتاب‌ها که از اهمیت بیش‌تری برخوردارند، کاوش‌های منبع‌شناختی محدث بیش‌تر است.

وی در این خصوص توجه و اهتمام عالمان بزرگ به کتاب‌ها را، معیار اعتبار آن‌ها در نظر گرفته است. به عنوان مثال احادیث المحاسن را در بحار الأنوار و احادیث الغارات را در بحار الأنوار و شرح ابن ابی الحدید و غیره بازیابی کرده است. هم‌چنین اسامی کسانی که با واسطه و یا بی‌واسطه در کتاب‌های خود از الغارات نقل کرده‌اند را ذکر کرده است. عالمانی مانند ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه، حسن بن سلیمان حلی در مختصر البصائر، شیخ حر عاملی در الوسائل و اثبات الهداة، علامه مجلسی در بحار الأنوار، محدث نوری در مستدرک و نفس الرحمن و محدث قمی در برخی کتاب‌هایش بدون واسطه از الغارات روایت کرده‌اند. افراد بسیاری مانند حبیب‌الله خویی (م ۱۴۱۳) در منهاج البراعة علی نهج البلاغه، مامقانی در تنقیح المقال، علامه امینی (م ۱۳۹۰) در الغدیر، سیدمرتضی عسگری (۱۴۲۸م) در احادیث عایشه و غیره نیز با واسطه از این کتاب نقل کرده‌اند (تقفی، ۱۳۹۵، ش، ۱: ۸۸).

نمونه دیگر از توجه محدث به این مبنا، ذیل روایتی در خصوص دشمنی خالد بن ولید با امیر المؤمنین و تصمیم او بر قتل آن حضرت، دیده می‌شود. وی در این باره می‌گوید: «این قضیه معروف است و در کتاب‌های فریقین از جمله علل الشرائع، الإحتجاج، تفسیر علی بن ابراهیم، کتاب سلیم بن قیس، غایه المرام، بحار الأنوار و شرح ابن ابی الحدید (فضل بن شاذان، ۱۳۹۸ ش، ۱۵۶-۱۵۸) این ماجرا نقل و رد شده است.

در جای دیگر در رساله شرح اخبار طینت، ذیل ۱۰ روایتی که آقا جمال الدین خوانساری شرح کرده است، ابتدا به وجود روایت در کافی اشاره، سپس به مرآة العقول با ذکر شماره جلد و صفحه ارجاع داده و خود سند حدیث را به شکل کامل نقل کرده است (نک. خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ۶: ۴۹۸-۵۵۵) در بررسی سند دعای ندبه نیز به اعتبار منابعی که دعا را نقل کرده‌اند اشاره می‌کند سپس به توضیح و تبیین آن می‌پردازد (حسینی ارموی، ۱۳۹۴ ش، ۱: ۱۵۸).

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل و واکاوی مبانی حدیث پژوهی محدث ارموی در گستره سند، متن و خاستگاه منجر به نتایج ذیل شد:

- ۱- اگرچه بررسی‌ها نشان داد که مبانی حدیث پژوهی محدث ارموی غالباً همسو با مبانی دیگر محدثان است، اما از آن‌جا که آگاهی از این مبانی، در تبیین روش محدث در تصحیح متون حدیثی اهمیت بسزایی دارد، استخراج آن ضرورت می‌یابد. در واقع حدیث پژوهی خود، پایه نسخه پژوهی است. ضمن این‌که این هم‌سوئی نشان‌دهنده جایگاه این مبانی مورد توجه بودن آن در تمام ادوار می‌باشد. به گونه‌ای که هم متقدمان، هم متأخران و هم معاصران به آن پایبند بوده و همواره در ارزیابی‌ها به آن استناد نموده‌اند.
- ۲- محدث ارموی در مواجهه با روایات منتسب به اهل بیت (ع) تلاش نموده تا با دلیل روایت را قبول یا رد نماید، از این‌رو، دقت نظر و تتبع فراوان در همه جوانب حدیث دارد. وی همچنین حالات مختلف اسناد از جهت اتصال یا انقطاع، همچنین احوال راویان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است. لذا، می‌توان گفت لزوم احراز سند از معصوم و نیز ارزیابی رجال سند و کیفیت آن از مبانی حدیث پژوهی ارموی در بررسی سند است.
- ۳- گرچه هدف اصلی محدث، تصحیح متون بوده، اما در فهم و بررسی متن نیز تلاش‌های قابل توجهی داشته است. به عنوان مثال به معانی لغات و شرح واژه توجه نموده و متن حدیث را با آیات، روایات، دلایل عقلی و ... مستند می‌سازد. از این‌رو

می‌توان گفت لزوم موافقت حدیث با قرآن، روایات، عقل، ضروریات دین و مذهب و ... از مبانی و معیارهای مورد توجه وی در ارزیابی متن احادیث است. از دیگر مبانی مهم از منظر وی در این‌باره عقیده به لزوم علو مضامین و فصاحت و بلاغت کلام صادره از معصوم است. وی بر اساس همین مبنا اگر کتابی دارای مضامین عالی باشد، اما مطالبی ضعیف به خصوص موارد مربوط به مستحبات و مکروهاتی که اعتبار آن‌ها ثابت نشده، در آن نقل شده باشد، آن‌ها را مشمول قاعده تسامح در ادله سنن می‌داند.

۴- از دیگر مواردی که محدث ارموی در حدیث‌پژوهی مورد توجه قرار داده، اهمیت اخذ حدیث از منابع معتبر است. گواه بر این گفته رجوع به ۴۸۸ منبع در شرح دعای ندبه و ۴۰۰ منبع در تصحیح الايضاح است. از این‌رو، می‌توان گفت این امر جزو مبانی مورد توجه وی در خاستگاه حدیث است.

منابع

قرآن کریم.

تقفی، ابراهیم‌بن محمد، الغارات، محقق و مصحح: سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.

جهان‌بخش، جويا. «آشنایی با مصححان و محققان: مرحوم محدث ارموی احیاگر میراث تشیع». آینه میراث ۲، ۵ و ۶ (۱۳۷۸): ۷۳-۸۳.

حسینی ارموی، سیدجلال‌الدین، تعلیقات نقض، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.

_____، شرح دعای ندبه، به اهتمام: رضا استادی؛ محسن احمدی تهرانی، قم، کتابخانه تخصصی علوم حدیث، ۱۳۹۴ش.

حسینی اشکوری، احمد، تراجم الرجال، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ق.

خوانساری، محمدبن حسین، شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، محقق و مصحح: جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ش.

خویی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ق.

رازی، علی‌بن عبیدالله، فهرست أسماء علماء شیعه و مصنفیهم، محقق: سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، به کوشش سمای جانری، محمد؛ مرعشی، محمود، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ش.

رحمان‌ستایش، کاظم، آشنایی با علم رجال، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۹۷ش.

شریفی، محمد، علی محمد میرجلیلی، و علیرضا لکزایی. «روش و مبانی فهم حدیث علامه مجلسی در کتاب السماء و العالم». مطالعات فهم حدیث ۵، ۱۰ (۱۳۹۸): ۲۳۹-۲۵۹. doi: 10.30479/

mfh.2019.1619

صدرایی خویی، علی، «سیدجلال‌الدین محدث ارموی»، میراث حدیث شیعه، ۱۲ (۱۳۸۳): ۴۴۷-۴۵۹.

فضل‌بن شاذان، ابومحمد، الايضاح، مصحح: سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۸ش.

قضاعی، محمدبن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار، مصحح: سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.

کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
گیلانی، عبدالرزاق محمدبن هاشم، شرح فارسی مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، مصحح:
سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، صدوق، ۱۳۶۶ش.
محمدی‌ری‌شهری، محمد، شناخت‌نامه حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۷ش.
مدیرشانه‌چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ش.
مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران، سمت، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ش.
میرجلیلی، علی‌محمد، حسن رضایی هفتادار، و یاسر ملک‌ی. «پیش‌فرض‌ها و مبانی فهم و نقد روایات
از دیدگاه امام خمینی (ره)». مطالعات فهم حدیث ۴، ۷ (۱۳۹۶ش): ۵۵-۷۹. doi: 10.30479/
mfh.2018.1302